

ممانعت از اشتغال زنان ، شکلی از خشونت است

محسن فرشیدی - روزنامه نگار

امنیت شغلی را می‌توان یکی از نیازهای اصلی انسان در حوزه فردی و همچنین نیاز یک کشور برای رسیدن به توسعه دانست.

از منظر اجتماعی، یک جامعه زمانی پیشرفت خواهد کرد که از تمامی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهاى مردمان خود استفاده کند و حذف هر کدام از گروه‌های انسانی، به‌واسطه‌ی جنس، جنسیت یا گرایش‌های جنسی آنها، جدای از محروم کردن حقوق فردی یک انسان، دیگر گروه‌ها را نیز به دلیل حذف توانمندی‌های یکی از اعضای جامعه متضرر خواهد کرد.

امنیت شغلی در جوامع مدرن یکی از نیازهای اصلی شهروندان است که باید توسط سیاستمداران و قانون‌گذاران تامین شود. از منظر فردی، داشتن شغل و امنیت شغلی، جدا از برآورده کردن نیازهای مادی و مالی، بخش قابل توجهی از سلامت روحی و روانی را برای افراد به دنبال خواهد داشت.

هر اجتماع از انسان‌هایی با جنس‌های متفاوت تشکیل شده که زنان و مردان دو گروه اصلی و بزرگ آن هستند. آسیب‌پذیری هر کدام از گروه‌های انسانی بواسطه جنس آنها، می‌تواند بستری از ناهنجاری‌ها را در اجتماع بوجود آورد.

زنان به دلیل سنت‌ها و فرهنگ مردسالار و آموزه‌های عمدتاً مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی، از سنین کودکی بیشتر در معرض خشونت قرار دارند.

بخش بزرگی از این خشونت‌ها به شکل‌های مختلف در خانه به وقوع می‌پیوندد. یکی از راهکارهای کاهش خشونت‌های خانگی فرصت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی برای زنان و مردان جامعه است.

زنان با توجه به اینکه بیشتر در معرض خشونت قرار دارند، امنیت شغلی آنها باید به عنوان یکی از راهکارهای مهم کاهش خشونت و سلامت جامعه مورد توجه قرار گیرد.

رابطه میان اشتغال و کاهش خشونت خانگی

از زمانی که بشر شغل و فعالیت‌های اقتصادی را به عنوان راهکار اصلی کسب درآمد برگزید، مردان به شکل‌های مختلف این عرصه مهم اجتماعی را در اختیار خود داشته‌اند. گزاره "مردان در اجتماع و زنان در خانه" سالیان سال به عنوان اصل پذیرفته شده زندگی در جوامع شهری برقرار بوده است.

زنان به دلیل وابستگی به مردان از نظر مالی و نبود فرصت‌های مشارکت اجتماعی برابر برای فعالیت‌های اقتصادی، مورد انواع خشونت‌ها قرار می‌گرفتند.

آنها برای تامین مایحتاج روزانه به مردان وابستگی داشتند و مردان به دلیل این احتیاج، سلطه‌ی خود بر زنان را روز به روز افزایش می‌دادند. خشونت‌های اقتصادی، روحی و فیزیکی از جمله خشونت‌هایی بودند که به این دلیل همواره رواج داشته است.

با گذر زمان و با پیشرفت‌های بشری و توسعه یافتگی زندگی در جوامع انسانی، زنان نیز پا به عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی گذاشتند و خروج زنان از خانه و مشارکت در امور اقتصادی وابستگی آنان به مردان را کاهش داد و این عدم وابستگی یکی از دلایل مهم کاهش خشونت‌های خانگی و سلامت روانی اجتماعی شد.

امنیت شغلی همچنین می‌تواند یکی از دلایلی باشد که مردان را از نقش آزارگر در خانواده و رابطه‌های همراه با خشونت دور کند.

لیلا موری پژوهشگر زنان و جنسیت معتقد است مشکلات اقتصادی، نداشتن شغل و یا موقت بودن قراردادهای کاری، استرس و مشکلات روحی فراوانی را با خود به همراه خواهد داشت. بنابراین مردهایی که در این شرایط هستند نیز دچار بیمارهای روانی بیشتری تا دیگران می‌شوند و این موضوع زمینه‌ساز اقدامات خشونت آمیز در یک رابطه را ایجاد می‌کند.

خشونت و واکنش زن به خشونت

خشونت به شکل‌های مختلفی در یک خانه می‌تواند وجود داشته باشد. از خشونت‌های اقتصادی تا روانی و فیزیکی. در بررسی‌های

صورت گرفته زنانی که استقلال اقتصادی و مالی داشته‌اند، به نسبت دیگر زنان راحت تر از یک رابطه همراه با خشونت خارج شده‌اند.

لیلا موری پژوهشگر زنان معتقد است: وقتی زنان از نظر اقتصادی مستقل باشند امکان فراهم کردن یک زندگی جدید برای خود را دارا خواهند بود. اشتغال زنان شاید نتواند به تنهایی باعث کاهش خشونت خانگی شود، اما در نهایت یکی از دلایل مهمی خواهد شد که زنان راحت تر بتوانند از یک چرخه خشونت خانگی خارج شوند.

وی ادامه می‌دهد: وابستگی مالی زن به همسر، اعتماد به نفس را از او گرفته و به دلیل نبود حمایت‌های کافی قانونی و دولتی، زنان در این رابطه‌ها باقی می‌مانند. اما بدون تردید استقلال اقتصادی تنها یکی از دلایل امکان خروج از یک رابطه‌ی همراه با خشونت است و در برخی مواقع وابستگی‌های عاطفی و دلایل دیگر نیز، زنان را در یک رابطه با آزارگر باقی نگاه می‌دارد.

عدم اجازه کار به زنان شکلی از خشونت است

در قوانین فعلی ایران اشتغال زنان در خانواده منوط به اجازه شوهر است و اگر مرد، شاغل بودن زن را در تضاد با حیثیت خانواده برداشت کند می‌تواند او را از کار کردن منع کند. اما قوانین به همین جا ختم نمی‌شوند، اجازه خروج از کشور در خانواده نیز به مردان سپرده شده است.

نیلوفر اردلان یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در روزهای گذشته به دلیل عدم اجازه همسر برای خروج از کشور فرصت حضور در تیم ملی و ادامه شغل خود را از دست داد.

لیلا موری پژوهشگر زنان می‌گوید: خشونت در یک خانواده بر خلاف آنچه تصور می‌شود تنها فیزیکی نیست. مانع اشتغال زن شدن و جلوی آزادی‌های شغلی را گرفتن نیز از نمونه‌های بارز خشونت هستند. این پژوهشگر زنان معتقد است با وجود چنین قانون‌ها و امکانی، زمینه برای تنش و ایجاد خشونت در خانواده ایجاد می‌شود. با در نظر گرفتن این موضوع که برخی از مردان از چنین قوانینی هرگز استفاده نمی‌کنند، اما صرف وجود چنین قوانینی به خودی خود فارغ از اینکه مورد استفاده قرار بگیرند یا نه، زمینه ساز شرایطی پرتنش و نابرابر در خانواده خواهند شد که هر لحظه می‌تواند به خشونت منجر شود.

نقش دولت‌ها در ایجاد محیط امن کار و امنیت شغلی

دولت‌ها و نهادهای قانون‌گذاری با اقدامات خود می‌توانند احساس امنیت شغلی را در شهروندان ایجاد کنند و این احساس تاثیر زیادی در کاهش خشونت‌های خانگی و اجتماعی خواهد داشت.

لیلا موری ایجاد فرصت‌های برابر و برداشتن موانع در ایجاد اشتغال زنان را از نقش‌های اصلی دولت‌ها می‌داند. به دلیل سنت‌ها و فرهنگ مردسالار در بسیاری از جوامع، بخش بزرگی از وظایف نگهداری فرزندان و کارهای خانگی را زنان بدون اینکه خودشان آن را انتخاب کرده باشند بر عهده دارند. وی معتقد است: یکی از وظایف اصلی دولت‌ها ایجاد تسهیلات برای مادران شاغل است.

وجود مراکز مثل کودکانستان که به آسانی در دسترس باشند و با هزینه‌های اندک می‌تواند یکی از موانع بزرگ زنان مادر در اشتغال را برطرف کند. از طرفی دیگر محیط‌های کار نیز نقش مهمی در سلامت روانی افراد را بر عهده دارند. این پژوهشگر ادامه می‌دهد: دولت‌ها با ایجاد قوانینی سخت‌گیرانه می‌توانند از بسیاری از رفتارهای مزاحم برای زنان در محیط کار جلوگیری کنند.

ایجاد یک محیط کاری امن و وجود مشاغلی که قابل اتکا از نظر ایجاد توان مالی باشند می‌تواند باعث حس قدرت و اعتماد به نفس در زنان شود و وجود چنین احساسی، آن‌ها را در یک رابطه‌ی برابرتری در خانواده قرار خواهد و هر چه یک رابطه برابرتری باشد امکان خشونت در آن کمتر خواهد شد.

دولت‌ها با ایجاد چنین شرایط و تسهیلاتی، زنان بیشتری را وارد اجتماع و عرصه‌های اقتصادی خواهند کرد و بخش زیادی از سلامت روحی و روانی اجتماعی و همچنین کاهش خشونت خانگی را تضمین خواهند کرد.

در دوران معاصر و بر خلاف گذشته، داشتن شغل برای تمام افراد بزرگسال خانواده با توجه به شکل زندگی امروزی ضروری به نظر می‌آید. لیلا موری پژوهشگر زنان و جنسیت معتقد است: دوران اینکه زنان صرفاً در خانه باشند و به کارهای خانه رسیدگی کنند تمام شده است.

نبود فرصت‌های اقتصادی برابر و در نتیجه فشاری که از عدم امنیت شغلی بوجود می‌آید در رابطه خانوادگی تاثیر بسیار منفی خواهد گذاشت و چنین خانواده‌ای که نگرانی‌های اقتصادی یکی از نگرانی‌های اصلی‌اش باشد و نتواند حداقل‌ها را تامین کند تمام اعضای آن دچار مشکلات فراوان روحی می‌شود.

این تاثیرات روی فرزندان به دلیل آسیب‌پذیر بودن در بسیاری موارد بیشتر است و این کودکان در آینده زمانی که وارد جامعه شوند با

مشکلات فراوانی همراه خواهند بود. مجموعه این عوامل و نبود امنیت شغلی خشونت‌های خانگی و اجتماعی را تشدید می‌کنند.

در انتها باید بر نقش مهم و پررنگ قوانین و دولت‌ها در کاهش خشونت‌های خانگی تاکید کرد. آن‌ها با فراهم کردن امنیت اقتصادی و برداشتن موانع برای حضور هر چه بیشتر زنان در اجتماع و مشاغل مختلف، زمینه را برای سلامت روانی اعضای یک خانواده و در نهایت یک جامعه فراهم خواهند کرد.